

بیمه از نظر حقوق مدنی

بیمه بنا بر شرایط مقرر بین طرفین دارای اقسام متعدد است و امروز بقدری اقسام بیمه‌های معمول زیاد است که حتی شماره آنها کار آسانی نیست چه در مقابل تمام خطرات متصوره بیمه ای ممکن است منعقد نمود. ولی بطور کلی تقسیم‌بندی آن اساساً مبتنی بر طبیعت موضوع بیمه و فرعاً مبتنی بر خطراتی است که در مقابل آنها بیمه منعقد میشود و لذا در مرتبه اول بیمه تقسیم میشود به بیمه اشخاص و بیمه اموال و هر یک از این دو به تقسیماتی منقسم میشود که ذیلاً بطور خلاصه بیان میگردد.

مبحث دوم اقسام بیمه

بیمه اشخاص عقدی است که موضوع آن اشخاص میباشد و این قسم بیمه یا در مقابل خطر مرگ است و یا در مقابل سایر خطرات از قبیل پیری، نقصان عضو، بیکاری و غیره.

قسمت یکم بیمه اشخاص

فوت رئیس یک خانواده غالباً علت بدبختی بازماندگانش میشود و مخصوصاً در مورد خانواده هائیکه امرار معاش آنها فقط از دسترنج او بوده است با این حال پدر خانواده ایکه با بیمه گر قرارداد میکند

فقره یکم بیمه عمر

که هر سال مبلغی باو تأدیه نماید و در عوض بیمه گر پس از فوتش مبلغ معینی بورثه او بدهد با این ترتیب وسائل مادی امرار معاش خانواده اش را پس از خود ترمیم میکند.

در مقابل مرگ

قانون بیمه این نوع بیمه را تجویز و مقرراتی راجع باین وضع نموده که در جای خود گفته خواهد شد این قسم بیمه ممکن است نسبت به عمر اشخاص ثالث نیز منعقد گردد مثلاً کسی با بیمه گر تعهد میکند که هر وقت فلان شخص فوت کرد بیمه گر مبلغ معینی بورثه او یا اشخاص دیگر که در بیمه نامه مشخص میشود تأدیه کند و در عوض بیمه گذار تعهد پرداخت حق بیمه را مینماید در این مورد اصلی را که باید در نظر داشت اینست که بیمه گذار باید نسبت به بقا و ادامه حیات بیمه شده ذینفع و علاقمند باشد و بعلاوه بطوریکه قسمت دوم ماده ۲۳ میگوید باید رضایت بیمه شده (کسی که عمر او موضوع بیمه بوده است) قبلاً بموجب سند کتبی تحصیل شده باشد (ماده ۲۳). «بیمه عمر یا بیمه نقصان یا شکستن عضو شخص دیگری در صورتیکه آن شخص قبلاً رضایت خود را کتباً نداده باشد باطل است» ماده مزبور پس از ذکر این حکم میگوید «هرگاه بیمه گذار اهلیت قانونی نداشته باشد رضایت ولی یا قیم او شرط است» مقصود از بیمه گذار بیمه شده است نه کسی که با بیمه گر طرف تعهد میباشد و بهتر این بود که بجای بیمه گذار بیمه شده قید گردیده باشد.

علت اتخاذ این رویه یعنی لزوم جلب رضایت بیمه شده در موقعیکه دیگری

بیمه از نظر حقوق مدنی

عمر او را به بیمه میگذارد اینستکه چون اساساً بیمه عمر ممکن است جهت بیمه شده ایجاد خطر جانی نماید و بطوریکه پورتالیس گفته این نوع بیمه غالباً بجنایت منتهی میگردد مقنن خواسته است اولاً آنرا محدود کرده باشد و ثانیاً این قرار داد توسط اشخاصیکه میخواهند جان دیگری را درخطر بیندازند منعقد نشده باشد تا احتمال وقوع جنایات کمتر باشد و بالتبلیغه بیمه را از شرط بندی روی عمر اشخاص که قرارداد باطلی است تفکیک نماید.

باری اگر بیمه عمر درمقابل مرگ را از نظر اجتماع نگاه کنیم مثل اینستکه تمام بیمه گذاران یا بیمه شدگان قرارداد ضمنی منعقد کرده اند که هرگاه یکی از آنها فوت شود بقیه شرکاء سرمایه هائی ازجوهیکه تدریجاً پرداخته و جمع شده است بورثه متوفی بدهند و این عمل درحقیقت تأسیس مؤسسه مخیره ای میباشد .

بدیهی است اگر بیمه گذار سالیان زیاد عمر کند و مبلغی را که به بیمه گر پرداخته است خود ذخیره نماید ممکن است از حد تعهد بیمه گر هم متجاوز شود ولی از آنجاکه مقدار سن بشر معلوم نیست نمیتوان باین امید از تأمین آتیه ورثه خویش خودداری کرد و لذا بیمه گذار با این عمل در روز فوتش یک سرمایه نسبتاً مفیدی برای ورثه اش تهیه میکند .

در اینجا باید متذکر بود که مقصود ازخطر مرگ مرگ طبیعی است و انتحار بیمه گذار فوت او محسوب نمیشود و از آنجا که ممکن است خودکشی عمدی یا سهوی باشد علیهذا باید خود کشی سهوی را مرگ طبیعی دانست قانون بیمه در این موضوع چیزی مقرر نداشته و حال اینکه قید این نکات بطور صریح لازم بنظر میرسد و فقط برای تأمین نظر فوق میتوان از ماده ۴ که میگوید « بیمه گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه گذار یا نمایندگان او نخواهد بود » مطالب فوق الذکر را استفاده نمود .

حل این مسئله بعهده قرارداد طرفین است و غالب بیمه نامه ها نتیجه عدم پرداخت حق بیمه از طرف بیمه گذار اینطور مقرر میدارند که اگر حقوق بیمه هائی که تأدیه شده است کمتر از حقوق سه ساله باشد وجوه مزبور متعلق به بیمه گر خواهد بود اما در صورتیکه اقساط تأدیه شده بیش از اقساط سه سال باشد و بیمه گذار برای ادامه بیمه (باپرداخت حق بیمه) حاضر نباشد چه باید کرد .

در این موضوع بودری لاکانتینوری Baudry Lacantinerie چنین مینویسد: « بیمه گر بیمه نامه را از بیمه گذار میخرد و این عمل را باز خرید بیمه نامه گویند که بطریق ذیل رفتار میشود . »

بیمه عمری که در مقابل مرگ منعقد شده است بیک عده قرارداد های سالیانه تجزیه میگردد که هر سال بیمه گر قبلاً وجهی را برای خطر احتمالی همانسال دریافت میکند - اما خطر مزبور سال بسال قوی تر و بوقوع نزدیکتر میشود زیرا هر قدر سن بیمه گذار زیادتر شود بمرگ نزدیکتر میگردد. از آنجا که حق بیمه باید متناسب باخطر احتمالی باشد بایستی هر سال حق بیمه زیادتر از سال گذشته معین شود ولی برای اجتناب از اشکال و پیچیدگی حساب حق بیمه را بطور ثابت برقرار میکند که بیمه گذار هر سال

بیمه از نظر حقوق مدنی

یک مقدار مساوی با سال گذشته و آتی پردازد و این مبلغ حد متوسط و معدلی است که از میزان سال اول بیشتر و از حد سال آخر کمتر است بنابراین بیمه گر در سال های اول وجوهی دریافت میکند که زائد بر میزان خطر است و البته این مازاد برای جبران کسری سالهای آخر است که جهت آنروز ذخیره میشود حال در صورتیکه بیمه گذار تقاضای بازخرید بیمه نامه را بنماید بیمه گر باید این مازاد از حق بیمه را باو داده و بیمه نامه را مسترد دارد .

در این نوع بیمه بیمه شده میخواهد خود را از خطر عدم قدرت آتی خویش جهت تحصیل معاش حفظ کند چه ممکن است دوران پیری که انسان قدرت تحصیل مایحتاج را ندارد بطول انجامد و ضعف پیری مانع تحصیل ضرورات

فقره دوم بیمه عمر
در مقابل پیری یا بیمه
عمر در حال حیات
معاش گردد .

تأمین ایام پیری عمر ازراه ذخیره و صرفه جوئیهای زمان جوانی حاصل میشود . برای اینکار مثلاً کارگری با بیمه گر چنین قرارداد مینماید که هر سال مبلغ معینی باو پردازد و در مقابل بیمه گر متعهد میشود که در سن معینی مثلاً در شصت سالگی بیمه شده سرمایه ثابتی باو بدهد - بیمه گر مزبور وجوهی را که سالیانه بیمه شده برداشته است جمع نموده هر گاه او بسن شصت سالگی رسید آنوقت تعهد خود را انجام میکند و سرمایه ای که قطعاً بیشتر از مجموع وجوه ماخوذه است باو میدهد والا آن وجوه را خود مالک میشود . این قسم بیمه ممکن است برای اشخاص ثالث نیز منعقد شود یعنی بیمه گذار غیر از بیمه شده باشد مثلاً پدری برای تهیه جهیزیه دختر نوزادش با بیمه گر قراردادی منعقد میکند که سالیه مبلغی مثلاً ۵۰۰ ریال باو پردازد و هر گاه دخترش مثلاً بسن ۱۸ سالگی رسید بیمه گر مبلغ معینی مثلاً ۳۰۰۰۰ ریال تأدیه نماید .

بیمه مختلط
بطوریکه از اسم آن برمیآید قراردادی است مرکب از مقررات بیمه عمر در مقابل مرگ و بیمه عمر در حال حیات . در این نوع بیمه مبلغ بیمه شده در صورت فوت بیمه شده بورئه او یا کسیکه در قرارداد معین گردیده تأدیه میشود و در صورت ادامه حیات او تا انقضای مدت مقرر وجه مزبور بخود او داده میشود - مثلاً کسی در سن ۳۵ سالگی با بیمه گر قرارداد میکند که سالی ۱۱۲۵ ریال باو تأدیه نماید هر گاه شخص مزبور بسن ۵۵ سالگی رسید بیمه گر مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال باو دادنی باشد والا همین مبلغ را پس از فوتش بورئه او تأدیه نماید .

این قسم بیمه بیمه مختلط بدون شرکت در منافع میباشد و گاهی بیمه مرکب منعقد میشود و آن باین ترتیب است که شخصی در ۳۰ سالگی خود را برای مدت ۲۵ سال بیمه میکند و با بیمه گر چنین قرارداد مینماید که سالی مثلاً ۴۲۰ ریال باو پردازد و در مقابل بیمه گر تعهد میکند که هر وقت بیمه شده فوت شود مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال بورئه او یا شخص دیگری که در قرارداد معین شده است تأدیه نماید و اگر بیمه شده تا انقضای مدت ۲۵ سال یعنی تا سن ۵۵ سالگی حیات داشته باشد مبلغ ۱۳۳۳۰ ریال باو دادنی باشد - مطابق تعرفه عمر شرکت بیمه ایران بیمه شده در سن ۵۵ سالگی یکی از چهار طریق ذیل را میتواند اختیار کند .

بیمه از نظر حقوق مدنی

۱ - قرار داد را فسخ نموده مبلغ مذکور در فوق یعنی ۱۳۳۳۰ ریال را دریافت دارد .

۲ - بیمه شده فقط ۶۷۳۰ ریال مآخوذ داشته و ۱۰۰۰۰ ریال پس از فوتش بورئه او داده شود .

۳ - مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال بدون پرداخت حق بیمه در بیمه بماند که پس از فوتش بورئه او با شخص دیگری پرداخته شود و خود او سالیانه مبلغ ۵۰۰ ریال مادام العمر در دو قسط شش ماهه دریافت نماید .

۴ - معامله را فسخ کرده تا آخر عمر سالی ۱۰۶۰ ریال با قسط شش ماهه مآخوذ دارد .

راجع باین قسم بیمه نیز باید متذکر بود که بمقدار خطرات
متصوره بیمه دارای اقسام است ولی آنچه بیش از همه متداول
در مقابل سایر خطرات است بقرار ذیل میباشد :

فقره سوم بیمه اشخاص در مقابل سایر خطرات

۱ - بیمه مسئولیت - Assurance de responsabilité در این قسم بیمه بیمه گذار مسئولیت حقوقی خود را در مقابل خطاهای غیر عمدی از خود سلب و متوجه بیمه گر میکند . مثلاً شرکت حمل و نقل که تعهد رساندن کالائی را به مقصد میکند میتواند مسئولیت حقوقی که در مقابل مالک کالا دارد بیمه نماید که هر گاه مال مزبور دچار حریق یا دزدی یا غیره گردد بیمه گر جبران خسارات را بنماید .

این قسم بیمه را قانون بیمه قبول کرده و در ماده ۴ میگوید « موضوع بیمه ممکن است مال باشد ... یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی ... » و همچنین ماده ۵ که صلاحیت بیمه گذار را معین میکند مقرر میدارد « بیمه گذار ممکن است اصیل باشد یا یکی از عناوین قانونی نمایندگی صاحب مال یا شخصی ذی نفع را داشته و یا مسئولیت حفظ آنرا از طرف صاحب مال داشته باشد » .

در این مورد اساساً ممکن بود خود مالک کالای خویش را بیمه دهد ولی چون متصدی حمل و نقل در وصول مال التجاره بمقصد ذی نفع است آنرا بیمه داده و در حقیقت مسئولیت خود را بیمه کرده است در این قبیل موارد در صورت وقوع حادثه پس از آنکه بیمه گر جبران خسارت بیمه گذار را نمود دیگر در مقابل مالک مسئولیتی ندارد یعنی همینکه او پس از اتفاق حادثه خسارت متصدی حمل و نقل را تأدیه کرد در مقابل مالک بری میشود و ماده ۲۹ قانون بیمه میگوید « در مورد بیمه مال منقول در صورت وقوع حادثه و پرداخت خسارت به بیمه گذار بیمه گذار هر گونه مسئولیت در مقابل ثالث بری میشود .

در اینجا بدنیست متذکر شد که آیا نتیجه عمل در بیمه دادن مال از طرف مالک و متصدی حمل و نقل یکی خواهد بود یا نه ؟ بطوریکه در فصل راجع بجبران خسارت خواهد آمد اصولاً هر گاه مالک خود تقاضای بیمه کرده باشد بیمه گر باید در صورت وقوع حادثه جبران خسارت مالک را نسبت بمال و مخارج حمل و نقل بنماید و حال آنکه اگر

بیمه از نظر حقوق مدنی

متصدی حمل و نقل مال را بیمه داده باشد بیمه گر فقط نسبت بکالا جبران خسارت مینماید لذا باید معادل قیمت مال درموقع فرستادن به بیمه گذار تأدیه وجه نماید (اگر خسارت کلی باشد) ولی قانون بیمه در هر دو فرض یک حکم کرده و در ماده ۲۲ میگوید « در بیمه های ذیل خسارت باین طریق حساب میشود .

۱ - در بیمه حمل و نقل قیمت مال در مقصد... » یعنی اعم از اینکه بیمه گذار مالک یا متصدی حمل و نقل یا هر شخص دیگر باشد جبران خسارت معادل خواهد بود با قیمت مال و بعلاوه مخارج حمل و سایر مخارج حق گمرک و غیره برای وصول بمقصد.

۲ - **بیمه مسئولیت حرفه‌ای** - مثل اینکه اطباء و دوا فروشان مسئولیت حقوقی را در مقابل اشخاص ثالث نسبت بخطاهای غیر عمدی مرتکبه بیمه دهند و یا اینکه مدیر مدرسه ای مسئولیت حقوقی خود را در مقابل خطراتیکه ممکن است در مدتی که شاگردان تحت اختیار او هستند متوجه شود بیمه دهد - و همچنین صاحب دفتر رسمی یا وکیل عدلیه مسئولیت حقوقی خود را در مقابل ضررهای متوجه باشخاص که بر اثر خبط و خطاهای سهوی او بوده بیمه دهد و یا دوچرخه سواران یا رانندگان اتومبیل در مقابل خساراتیکه از خطاهای سهوی آنها باشخاص ثالث وارد میاید و مسئول آن خسارات میباشند ممکن است این مسئولیت حقوقی خود را بیمه دهند .

